

روز قد

<div> <div> </div> <div></div> </div>
<p>چهارشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۳</p>
<p>شماره ۴۱۴۴</p>
<p></p>
<p>www.fdn.ir</p>

<div> <div> </div> <div></div> </div>
<p>FARHIKHTEGANDAILY</p>

<div> <div> </div> <div></div> </div>
<p>روز قد</p>

<div> <div> </div> <div></div> </div>
<p>روز قد</p>

<div> <div> </div> <div></div> </div>
<p>روز قد</p>

<div> <div> </div> <div></div> </div>
<p>روز قد</p>

امیر دیپلماسی به روایت دیپلمات‌ها

هم غزه، هم ایران



زهرا طیبی خبرنگار تکره شد روز

زهرا طیبی خبرنگار تکره شد روز

دوگانه دیپلماسی ومیدان، مذاکرات برجام،برجام پلاس،موضوعاتی بودندکه در آغاز کار دولت سیزدهم و فعالیت حسین امیرعبد‌اللهیان وزیر امور خارجه از دولت قبل به دولت سیزدهم رسید. امیرعبد‌اللهیان اما جدای ازاینکه سیاست همسایگی را به عنوان یکی از اصول فعالیت دولت در سیاست خارجه مورد توجه قرار داد، اما در عین حال مذاکرات احیای برجام هم لغو نشد اگرچه وزیر امور خارجه صراحتاً اعلام کرد خبری از برجام پلاس نخواهد بود، اما همواره این گزاره را مورد تأکید قرار می‌داد که از انجام مذاکرات حمایت می‌کند. علاوه‌براین امیرعبد‌اللهیان توانست همراهی خوبی میان دیپلماسی و میدان ایجاد کند و جدای از دوگانه‌سازی‌ها، دیپلماسی و میدان را هم‌راستا و در کنار هم پیش ببرد اقداماتی که البته تنها در عمر کوتاه سه‌ساله وزارت خارجه شهید امیرعبد‌اللهیان صورت گرفت. مواردی که به نظر می‌رسد مجموعه‌ای از رویکردها و نگاه‌های دولت‌های قبلی را با هم ترکیب کرده است. به همین منظور پای صحبت‌ها سفرآ و کارشناسانی نستشتم که در جریان اقدامات و فعالیت‌های امیرعبد‌اللهیان قرار داشتند و به بررسی ابعاد فعالیت‌های شهید امیرعبد‌اللهیان پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

— — —

— مهدی خاتعلی‌زاده، کارشناس بین‌الملل: امیرعبد‌اللهیان کیمیای ترکیب دیپلماسی ومیدان را محقق کرد

مهدی خاتعلی‌زاده،ایندادرباره برجسته‌ترین اقداماتی که در دوره‌وزارت خارجه می‌توان از آنها نام برد، گفت: «یکی از گمشده‌های همیشگی وزارت خارجه ایران از ابتدای پیروزی انقلاب تا الان، رسیدن به کیمیای ترکیب دیپلماسی با میدان بود. در بحث‌هایی که درباره این دوگانگی می‌شد، سوال این بود که چطور بتوانیم اجزای میدانی و عملیاتی سیاست خارجی کشور را با ابزار دیپلماتیک و از طریق ابزار دیپلماتیک پیش ببریم. آقای امیرعبد‌اللهیان به این دلیل که به‌پله مرتب ترقی را در عرصه سیاست خارجی طی کردند و از کارشناسی به مدیرکلی، سفارت، معاونت و بعد هم به وزارت رسیدند، کاملاً درک کرده بودند که این معضل، سه‌ساله و کیمیای دست‌نیافتنی چه بود و توانستند در سه‌سال وزارت بالاخره به جواب برسند و گمشده چهل‌ واندی‌ساله دیپلماسی را که تلفیق دیپلماسی ومیدان بوزامحقق کنند، یعنی ناظر به نتیجه از ابزارهای دیپلماتیک استفاده کردند. تعبیری که معمولاً استفاده می‌کردند با عنوان مذاکراتی بزرگ این بود که ابزار مذاکره کارکردی برای دیپلمات دارد اما اگر این اقدامات دیپلماتیک به ابزار مذاکره متمرکز شود، منجر به نتیجه نمی‌شود. شهید امیرعبد‌اللهیان ابزار مذاکره، دیپلماسی و سایر ابزارها را برآی رسیدن به هدف استفاده می‌کرد.»

شهید امیرعبد‌اللهیان مذاکره را ابزار دیپلماسی می‌دانست نه هدف آن
این‌کارشناس مسائل بین‌الملل در ادامه به این موضوع اشاره کرد که شهید امیرعبد‌اللهیان مذاکره را ابزار دیپلماتیک می‌دانستند نه هدف آن و به ماجرای بحران سوریه اشاره کرد و توضیح داد: «ایشان در کتاب صبح شام که یادآوری خاطرات‌شان از دوران جنگ داخلی سوریه و این بحران بین‌المللی است، دقیقاً اشاره می‌کند که چطور از ابزارهای دیپلماتیک استفاده کردند و با بازبینی‌های میدانی و اقدامات میدانی نهایتاً منجر به پیروزی جبهه مقاومت در جنگ سوریه شدند. مصداق دیگرش این بود که زمینه را برای ورود مستقیم کشور روسیه به ماجرا فراهم کردند. روسیه از ابتدا قصد ورود به جنگ را نداشت و بعد با سفری که شهید سلیمانی با همراهی آقای امیرعبد‌اللهیان داشتند، توانستند رئیس‌جمهور این کشور را قانع کنند که نیاز به حضورشان است و بعداً هم آن تمیزی که به‌کار بند یعنی روسیه تبدیل به نیروی هوایی ایران در سوریه شد، اتفاق افتاد. همین راهبرد و رویکرد را در ماجرای طرفان اقتصی هم داشتیم؛ تجربه‌ای که من از همراهی با ایشان داشتم، این بود که ابتدای طرفان اقتصی، سفری که ایشان به عراق داشتند و بعد از آن قرار بود به سوریه برویم، رژیم برای اینکه از سفر وزیر خارجه ایران به سوریه جلوگیری کند، پرونده‌ها بلب رازد و فرودگاه‌ا از دسترس خارج شد. با وجود همه مسائل امنیتی ایشان تأکید کرد نباید برویم حلقه را تکمیل کنیم و به نتیجه برساییم. بر این اساس با پیروزی بعد از آن به صورت زمینی به سوریه رفتیم، آنجا مقدمات انجام شد که از سوریه به سمت قطر و دیدار با رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس فراهم شود. از این مصادیق در کارنامه سه‌ساله ایشان بسیار بود.»

امیرعبد‌اللهیان دو نگاه حدقلتی و حداکثری در سیاست خارجی را ترکیب کرد
خاتعلی‌زاده معتقد است در زمان آقای امیرعبد‌اللهیان دو پرونده سیاست خارجی به نتیجه رسید و توضیح داد: «می‌توانیم بگوییم ایشان دو پرونده را به سرانجام رساندند: یکی پرونده منطقه‌ای و شبکه مقاومت بود که خودشان سال‌ها آن را پیگیری می‌کردند و توانستند حلقه‌های تکمیلی شبکه مقاومت را ایجاد کنند و الان شاهد بلوغ و تکامل نهایی شبکه مقاومت هستیم. این تأامی که برای رژیم اتفاق افتاده و شرایط را برای آن تنگ کرده، حاصل بلوغ شبکه مقاومت است، از طرف دیگر توانستند حلقه آمریکازدایی و غرب‌زدایی از سیاست خارجی ایران را تکمیل کنند. سه‌ال‌های سال بود عضویت ایران در پیمان‌های جایگزین، آلت‌رناتیو نظام غربی بلا تکلیف مانده بود، مثل بریکس، شانگهای و چند اجلاس و همایش و تمدد بین‌المللی دیگر. ایشان توانست این حلقه را هم نهایی کند و این دو محور را به عنوان اصلی‌ترین یادگاری خودش به‌جا بگذارد.»
کارشناس مسائل بین‌الملل در مورد اینکه وجه تمایز و تفاوت امیر عبد‌اللهیان با ظریف در دولت قبل و رویکرد دولت احمدی‌نژاد در سیاست خارجی چیست، گفت: «خوشبختانه یکی از موارد مثبتی که در جمهوری اسلامی وجود دارد، این است که سیاست خارجی معمولاً تابع تغییر دولت‌ها نیست، مثل دوی امدادی است که هر دولتی، هر وزارت خارجه‌ای بخشی از این پازل را تکمیل می‌کند و به نقر بعد تحویل می‌دهد. ضمن اینکه باید این را در نظر داشته باشیم که ایشان دو نگاه حدقلتی و حداکثری در سیاست خارجی را تکمیل کردند و دو سریک طیف را؛ یک طیف کاملاً نتیجه‌گرا و یک طیف کاملاً ابزارگرا را با هم ترکیب کردند و برای آن ابزار استفاده کردند تا به نتیجه برسند، یعنی ضمن اینکه کوتاه نیامدند که ایران باید به اهداف خودش در هر مذاکراهی برسد و صرفاً به توافق رسیدن با غرب مطلوب ایران نیست اما زمینه را برای کنار گذاشتن ابزار دیپلماسی هم فراهم نکردند. یکی از دلایل آن هم این بود که ایشان وارداتی به وزارت خارجه و دستگاه دیپلماسی نبودند، کاملاً بزرگ شده‌ آن فضا بودند و با همه آن آشنا بودند و توانستند ارتباط خوبی با هر دو طیف داشته باشند، یعنی فرآیندی که از زمان آقای جلیلی شروع شد و به زمان آقای ظریف انتقال پیدا کرد. هرچند اگر کلان نگاه کنیم، دو سر طیف بودند اما در زمان آقای امیرعبد‌اللهیان، به برآیندگیری از این رسیدند که منجر به این نقطه بهینه تأمین منافع ملی شد و من راهبرد ایشان ارتضاد دو راهبرد قبلی نمی‌دانم، بلکه بهینه کردن و برآیندگیری آن می‌دانم.»

امیرعبد‌اللهیان صرفاً از الگوهایی که وجود داشت پیروی نمی‌کرد
خاتعلی‌زاده اشاره کرد امیرعبد‌اللهیان صرفاً پیرو ایده‌های قبلی نبود و خود الگوسازی کرد و گفت: «تعبیری که باید به کار ببریم این است که شهید امیرعبد‌اللهیان مترجم نبود، مولف بود و صرفاً از الگوهایی که وجود داشت پیروی نمی‌کرد. الگوسازی هم انجام می‌داد. بر این اساس شما می‌بینید که حتی در مذاکرات در ابتدای دولت سیزدهم، دو پال ایشان دو معاون دو فردی بودند که در تضاد کامل بودند، یعنی

آقای باقری به عنوان معاون دست راست آقای جلیلی در مذاکرات و آقای عراقچی به عنوان دست راست آقای ظریف در مذاکرات، همراهان و دستیاران و مشاوران آقای امیرعبد‌اللهیان بودند، چون در فضای ابتدایی مذاکرات همراهی با وزارت خارجه داشتیم و از نزدیک در جریان کارها بودم، شاهد بودم آن عبارت برآیندگیری که اشاره کردم، مصداق عینی داشت، یعنی برای اینکه به نتیجه برسد از همه نظرات استفاده می‌کردند. در حوزه مذاکرات هسته‌ای بسیار تأکید داشتند منافع ملی ایران در متن باید گنجانده شوند، یعنی همان برجام ۲۰۱۵ در صورتی که دو، سه‌ماه از انتخابات گذشته و در دوره انتقالی دولت سیزدهم بود. بحث بر سر این بود که متن جدیدی از توافق هسته‌ای یا برجام پالسی از سمت ایران امضا شود. آقای امیرعبد‌اللهیان این را نپذیرفتند و گفتند ما همان برجام ۲۰۱۵ را می‌خواهیم. حالاً در مورد نحوه اجرایی شدنش مذاکره می‌کنیم. خروجی اش این شد که در ابتدای اتفاقاتی که در ۱۴۰۱ داشتیم و شورشی که در کشور ما اتفاق افتاده بود، طرف ایرانی کاملاً پذیرفته بود که حرف ما درست است و به جمع‌بندی رسیده بود و خودم این را در جلسه‌ای که آقایان باقری و مورا نامیدند جروف یورل در نیویورک، در محل نمایندگی اتحادیه اروپا داشتند، رسماً اعلام کردند طرف ایران درست است و به جمع‌بندی منطقی از ایران رسیدیم، اما آن حوادث که اتفاق افتاد؛ آمریکایی‌ها به قول معروف زند زدن زیر میز و ماجرا به شرایط دیگری موقوف شد. جمع‌بندی راهبرد سیاست خارجی شهید امیرعبد‌اللهیان تأکید بر رسیدن به توافقی بود که منافع ملی ایران را تأمین کند.»

تلفیق کیمیای میدان و دیپلماسی

در عملکرد شهید امیرعبد‌اللهیان به وضوح دیده می‌شد

خاتعلی‌زاده در توضیح پیگیری و هم‌راستایی میدان و دیپلماسی، خاطرهای را روایت کرد و گفت: «سال ۹۸ بعد از تیزور سردار سلیمانی یک نپل علمی در پرونده‌گاه قوه قضائیه برگزار شد. آقای امیرعبد‌اللهیان مرحوم شایع‌الاسلامی هم بودند، من دبیر این نپل بودم. ایشان برای پیگیری حقوقی تور سردار سلیمانی صحبت کردند و گفتند از این به بعد مجموعه دستگاه دیپلماسی ایران در ارائه خودشان باید به سمت محقق شدن انتقام از خون شهید سلیمانی برود. به نظر می‌رسد این جمله به معنی یادبود و گرامیداشت شخصیت سردار سلیمانی بود. اما جلوتر که رفت، ابعادی را مشخص کردند که نشان داد پیگیری تحقق انتقام خون شهید سلیمانی چطور منافع ملی ایران را تأمین می‌کند، دقیقاً می‌گفتند کیمیای تلفیق میدان و دیپلماسی این است. شما میدانی، اقدامی و انجام می‌دهید، که از لحاظ دیپلماتیک هم پشتیبانی و نهایتاً منجر به تأمین منافع ملی شما می‌شود. دستگاه دیپلماسی ما غیر از تأمین منافع ملی ما هدف و کاربرد دیگری که ندارد. شما توانستید با پیگیری انتقام سردار سلیمانی مثل طرفان اقتصی هم میدان را در اختیار خود بگیرید، هم امنیت و منافع ملی خود را تأمین کنید. از این بالاتر نمی‌شد دیپلماسی و میدان را با هم موزج کرد، از همان سال ۹۸ مشخص بود آقای امیرعبد‌اللهیان در ذهنش این گفتمان فکری را پرورش می‌دهد و وقتی در ۱۴۰۰ به وزارت رسیدند، توانستند این را عملی کنند.»

مرد تازه متوجه می‌شوند

شهید امیرعبد‌اللهیان چه اقدامات مهمی انجام داده است

این‌کارشناس مسائل بین‌الملل یکی از زنده‌هایم را که وزارت خارجه و امیرعبد‌اللهیان وارد می‌کردند نیز گفت و توضیح داد: «یکی از مواردی که هم خدمت خود شهید امیرعبد‌اللهیان و هم خدمت دوستان وزارت خارجه منتقل کردم و به‌نظم هنوز یکی از وجوه مظلومیت ایشان بود. عدم استفاده درست از ابزارها در دیپلماتیک عمومی بود. برای مثال استفاده‌ای که از شبکه‌های اجتماعی می‌شد، توانست آن‌طور که باید دستاوردهای فکری و عملیاتی ایشان را منتقل کند. در چندباری که با ایشان صحبت کردم، گفتم اقداماتی که در حوزه دیپلماسی عمومی پیگیری می‌کنید، ضمن اینکه اهدافی که باید را محقق نمی‌کنند، بلکه آسیب هم می‌زند و زمینه را برای به انحراف کشاندن دستاوردها را فراهم می‌کند. مایک عملیات بسیار مهم به نام طرفان اقتصی داشتیم و بعد از آن شبکه مقاومت درگیر فرآیندی شد که بی‌سابقه بود. شاهد این هم بودیم که در اعتراضات دانشگاهی در آمریکا دستاوردهای زیادی در حوزه قدرت نرم برای ایران داشت. این دستاوردها را در حوزه دیپلماسی در وزارت خارجه نتوانستیم پیش ببریم. شخص وزیر شهید هم به دلایل مختلف که شاید بخشی این باشد که ایشان متخصص حوزه دیپلماسی بودند و نیاز داشتند در حوزه رسانه از مشورت‌های بیشتری استفاده شود، به نظر زمینه را برای همجو نتواندن اقدامات ایشان انجام دهند. همین الان در شبکه‌های اجتماعی این‌رامی‌بینیم که خیلی از کاربیران می‌نویسند تازه متوجه شدیم، شهید امیرعبد‌اللهیان چه اقداماتی انجام دادند.»

— علیرضا کوهنک، مشاور دیپلماسی علمی وزیر امور خارجه: امیرعبد‌اللهیان از مذاکره به دنبال دریافت نتیجه ملموس در حوزه‌های مختلف بود

علیرضا کوهنک به این موضوع اشاره کرد که امیرعبد‌اللهیان به دنبال پیگیری سیاست خارجی متوازن و پویا بود تا کاستی‌های گذشته را پوشش دهد و گفت: «آقای دکتر امیرعبد‌اللهیان وزیر امور خارجه در حوزه سیاست خارجی به عنوان یک دیپلمات حرفه‌ای و باسابقه، راهبردی که انتخاب کرده بودند یک سیاست خارجی متوازن و پویا

بود که سعی داشت کاستی‌هایی را که در گذشته وجود داشت، پوشش بدهد. به‌طور مثال سیاست همسایگی که تأکید آن گسترش رابطه با همسایگان به عنوان ابزاری در راستای تحکیم امنیت ملی و تأمین منافع اقتصادی و مقابله با تحریم‌های ظالمانه بود، این یکی از اولویت‌های جدی ایشان بود که به‌خاطر سابقه‌ای که در مدیریت رابطه با همسایگان داشتند اتفاقاً در کشورهای همسایه و در بین سیاستمداران‌شان شناخته شده بودند و همین موضوع به کمک ایشان آمد تا بتوانند در مدیریت روابط و بهبود وضعیت با آنها نقش داشته باشند. در حوزه ارتباط با قدرت‌های مؤثر جهانی و سازمان‌های مؤثر بین‌المللی ایشان نقش بسیار مهم و برجسته‌ای در پیشرفت روابط ایران ایفا کردند. فرآیندی را که در عضویت شانگهای شروع شده بود بسیار موفق به سرانجام رساندند و در مدت بسیار کوتاهی توانستند عضویت در بریکس را رقم بزنند و از این جهت کارنامه بسیار موفقی را برای خودش رقم زد.»

توجه به جامعه دانشگاهی برای امیرعبد‌اللهیان منجر به

ایجاد بخش ویژه دیپلماسی علمی در سیاست خارجه شد

کوهنک به این امر اشاره کرد ارتباط ویژه جامعه دانشگاهی آقندر مورد توجه قرار داشت که بخش ویژه‌ای در وزارت خارجه با این منظور ایجاد کردند و در ادامه توضیح داد: «در مذاکرات منطقه‌ای و ارتباط با کشورهای منطقه و حل معضلاتی که از گذشته در منطقه برای ما باقی‌مانده بود دولت و وزارت خارجه آقای امیرعبد‌اللهیان خیلی توانستند کار را پیش ببرند که نمونه بسیار پررنگ آن از سر گرفتن ارتباط با عربستان و مذاکرات متعددی است که در چند مرحله با حکومت سعودی داشتند. همه اینها در کنار این بود که سابقه دانشگاهی و توجهی که به متخصصان و دانشگاهیان داشتند به‌طور خاص بخش ویژه‌ای برای دیپلماسی علمی در سیاست خارجی در نظر گرفتند و سعی کردند در این حوزه هم اقداماتی را انجام دهند که بیشتر معطوف به این بود که خود وزارت خارجه در گام اول می‌تواند چه اقداماتی را برای دانشگاهیان و استادیب انجام دهد یا حتی یک بخش ویژه کنسولی ایجاد کرد. از گذشته‌ای برخی از کارکنان وزارت خارجه انتقادهایی از عدم توجه مدیران عالی‌رتبه وزارت خارجه به بدنه داشتند که ایشان با اخلاق بسیار خوب و ارتباط نزدیکی که با کارکنان داشت توانست این مساله را هم تا حدی پوشش دهد و این انتقادها را رفع کند. تقریباً هرکسی از دیپلمات‌های باسابقه و دیپلمات‌های جوان تا کارکنان بخش اداری و خدماتی را در وزارت خارجه می‌دیدیم همه از اینکه ایشان به همه توجه داشت و متواضعانه رفتار می‌کرد و انتقادها را می‌شنید خاطره خوبی دارند.»

امیرعبد‌اللهیان به دنبال نتیجه گرفتن از سیاست خارجی بود

مشاور وزیر خارجه در دیپلماسی علمی، درباره وجه تمایز اقدامات امیرعبد‌اللهیان با دیگر وزرای خارجه، گفت: «ذکر این نکته ضروری است که موضوع مذاکرات و تحریم‌ها و برجام و مسائل هسته‌ای پرونده کلانی است که از سطح وزارت خارجه کلان‌تر است. اما تفاوت وزارت خارجه و سیاست خارجه دولت سیزدهم که سکاندار آن آقای امیرعبد‌اللهیان بوده این بود که ما به این سمت حرکت کردیم که جدا از اینکه تلاش می‌شود چه تصویر رسانه‌ای در داخل و خارج از آن ساخته شود، کنش سیاسی ما باید نتیجه داشته باشد. یعنی اگر ما برای مذاکره می‌رویم، مذاکره برای مذاکره کردن نباشد بلکه ما باید از آن مذاکره تأمین منافع به‌خصوص منافع اقتصادی داشته باشیم. چون دیپلماسی اقتصادی اولویت قرار گرفت و تلاش شد سیاست خارجی حتی بخشی از بار مسائل داخلی را به دوش بکشد و تأمین بخشی از منافع اقتصادی را سیاست خارجی به‌عهده بگیرد. این نقطه تغییر بسیار مهمی بود. اینکه شما جهت‌گیری سیاست خارجی را به سمتی ببرید که جدای از فرآیند، مذاکرات، نامه‌ها و تعاملاتی که اساس روابط خارجی را شکل می‌دهد؛ رسیدن به نتیجه‌ای که تأمین ملموس منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور است، باشد. آمار و ارقام‌ها هم نشان می‌دهد این حرکت درستی بود و نتایج خوبی داشته و باید ادامه پیدا کند.»

کوهنک درباره همراهی که شهید امیرعبد‌اللهیان در میدان و دیپلماسی ایجاد کردند، گفت: «من اختلاف میدان و دیپلماسی را قبول ندارم. این تبلیغی در سیاست داخلی و تقسیم‌بندی غلطی بود که متأسفانه اتفاق افتاد. ما در راهبرد کلان کشور به دنبال منافع هستیم که تعریف شده‌است. این منافع می‌تواند ملی، محلی و بین‌المللی باشد. برای این کار ابزارهایی داریم که یکی از آنها که ابزار بسیار مهمی است؛ ابزار دیپلماسی. دیگر ابزار هم قدرت نظامی و امنیتی است. این دو ابزار باید در کنار هم در راستای رسیدن به هدف تلاش کنند و این نکته بسیار درستی که در دوره وزارت جناب آقای امیرعبد‌اللهیان دستگاه سیاست خارجی با دستگاه‌هایی که در این حوزه در خارج از کشور فعالیت دارند به‌صورت هماهنگ‌تری برای تأمین منفعت کشور کار می‌کردند.

دلیل آن هم بخشی به خاطر روحیه همکاری وزیر بود و بخشی هم به‌خاطر اعتماد به سابقه کاری که وجود داشت بود. اما خود این هماهنگی باعث می‌شد منافع راحت‌تر و بهتر تأمین شود. ما بعضی جاهای معدودی دیدیم این هماهنگی اتفاق نیفتاده است و به چشم می‌دیدیم که بهتر بود در آن موضوع خاص مثل همان موارد این همکاری رخ دهد، چون نتیجه آن همکاری را همه دیده بودند. وقتی شما این همکاری را نداشته باشید تأمین منافع ملی سخت اتفاق می‌افتد و هزینه ملی هم زیاد خواهد شد که در دوره وزارت ایشان خدا را شکر از این جهت بسیار خوب عمل شد.»

— محمد حسینی، سفیر سابق ایران در عربستان:

امیرعبد‌اللهیان در دوران وزارت، هیچ‌کس را طرد نکرد

حسینی، سفیر سابق ایران در عربستان درمورد اقدامات امیرعبد‌اللهیان در دوره وزارت گفت: «من چون شهید مقاومت جناب آقای دکتر امیرعبد‌اللهیان را از حدود ۲۰ سال پیش می‌شناختم و زمانی که من در عربستان سفیر بودم، آقای امیرعبد‌اللهیان سفیر بحرین بود. البته از قبل همدیگر را می‌شناختم اما بیشترین رفاقت و معاشرت ما از سال ۸۵ شروع شد که در دو کشور مجاور مسئولیت داشتیم. تا آخرین روزها هم ملاقات حضوری، پیام‌ها و مناسبت‌های زیادی را باهم تجربه کردیم. بنابراین مواردی را که عرض می‌کنم ناشی از شناخت دقیقی است که از این شهید بزرگوار دارم. آقای امیرعبد‌اللهیان در دوران وزارتش هیچ‌کس را طرد نکرد، بلکه با عناوین و اشکال مختلف همه را جذب کرد. حتی با وزرای سابق ایشان چند جلسه کاری گذاشت که معمولاً مرسوم نیست اما ایشان چند ملاقات طولانی با وزرای سابق اعم از آقای دکتر ظریف، آقای متکی، آقای صالحی، ولایتی و خزای داشت که جذب حداکثری در عمل خودش را نشان می‌دهد. این رفتار را با دیپلمات‌های بازنشسته و در سطح مختلف هم داشت. چون وزارت خارجه دستگاه خاصی است و اخلاق محوری می‌تواند خبری برای دیپلماسی داشته باشد این اخلاق‌گرایی ایشان بسیار در روند کارها مؤثر بود.

یکی از هنرهای ویژه آقای امیرعبد‌اللهیان این بود که توانست هماهنگی کاملی میان دستگاه‌های مختلف در داخل کشور ایجاد کند که بسیار مهم است. بالاخره ما باید با هماهنگی بر دستگاه‌های ناظر بر سیاست خارجی و حتی گاهی دستگاه‌هایی که حتی غیرمستقیم با وزارت خارجه کار می‌کنند اما نقش دارند، ایجاد کنیم و این خصلت ویژه‌ای بود که ایشان داشتند و با هماهنگی کامل همه دستگاه‌ها پیش می‌رفتند. لذا در دوران وزارت ایشان هیچ‌گاه تنش و بحرانی بین دستگاه‌ها ایجاد نشد و باعث شد دستگاه‌ها هم آقای امیرعبد‌اللهیان در کشورهای یاری و مساعدت می‌کردند.»

سیاست همسایگی اصل ثابت وزارت خارجه امیرعبد‌اللهیان بود

سفیر سابق ایران در عربستان در توضیح اقدامات و فعالیت‌های امیرعبد‌اللهیان در دوران وزارت گفت: «آقای امیرعبد‌اللهیان بحث محور مقاومت را در عمل و رفتار و ارتباطات گسترده‌ای که از قبل داشت هم پررنگ کرد. ایشان سفراهی متعددی به لبنان، سوریه و یمن داشت و جبهه مقاومت در دوران وزارت ایشان بلانده‌تر شد و الان شاهد این هستیم که بعد از شهدات ایشان چند سران این کشورها بابت فقدان این شهید ابراز تأسف و ناراحتی کردند. این نشان می‌دهد ایشان اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را که تأکید بر گسترذگی جبهه مقاومت است را هم باور کرده بود و هم عمل می‌کرد. نکته بعدی درباره سیاست همسایگی است که افراد در دوره‌های گذشته نیز برای این موضوع تلاش کردند اما در دوران شهید رئیس‌ی و شهید امیرعبد‌اللهیان به‌عنوان اصل ثابت و قطعی دولت درآمد و ما توانستیم در این دوران پرونده‌های مهمی را هم حل و فصل کرده یا اینکه به چهارچوب‌های مهمی در آنها دست پیدا کنیم. به‌طور مثال حل مساله با عربستان سعودی بود که خوشبختانه توانستیم بعد از هفت سال در بالاترین سطح تجدید رابطه داشته باشیم. همچنین ارتقای سطح روابطی که با امارات پیدا کردیم و به سفیری گسترش پیدا کرد. آقای امیرعبد‌اللهیان در کشورهای منطقه هم ملاقات‌های خوبی داشت و هم سفراهی متعددی انجام داد. نکته مهم این است که علی‌رغم سیاست همسایگی و سیاست نگاه به شرق، آن توازن کلی در سیاست خارجه را هم اعمال می‌کردند. به موازات تلاش شد یک سیاست متوازن با دیگر کشورها چه اروپایی و چه آمریکایی و آفریقایی شکل گیرد.»

در زمان وزارت امیرعبد‌اللهیان هیچ‌گاه تنش با بحرانی

در وزارت خارجه ایجاد نشد

حسینی درباره همراه کردن میدان و دیپلماسی توسط امیرعبد‌اللهیان نیز گفت: «ایشان باور داشت تنظیم‌کننده سیاست خارجی فقط وزارت خارجه نیست، بلکه ما دستگاه‌هایی در کشور داریم که مستقیم یا غیرمستقیم در درون فرآیند تصمیم‌سازی در حوزه سیاست خارجه نقش دارند. حالا بعضی آشکار است و بعضی آشکار نیست. آقای دکتر امیرعبد‌اللهیان به‌لحاظ سابقه قبلی‌شان که در حوزه‌های مختلفی فعالیت کرده بود، دید که باشند آشنیل دیپلماسی ما همین عدم هماهنگی میدان و دیپلماسی است. گاهی در بعضی زمان‌ها همین نقطه ضعف صدماتی را هم وارد می‌کرد. کاری که آقای امیرعبد‌اللهیان می‌کرد این بود که یک هماهنگی قبلی در قالب جلسات می‌گذاشت و نظر همه را می‌گرفت و به‌اجماعی می‌رساند و بعد همان بخش‌ها در کار کمکش می‌کردند لذا در زمان وزارت ایشان هیچ‌گاه نمی‌بینید که یک تنش یا بحران و نقد جدی باشد. چون از قبل هماهنگ شده بود و این به مصلحت و نفع کل کشور بود؛ چراکه دیگر انرژی کشور صرف بعضی مسائل اختلافی نمی‌شد که همه اینها از روحیه هماهنگی و همکاری ایشان می‌آمد که معتقد بود کار بزرگ کار تیمی است و فقط معطوف به یک سازمان و دستگاه نیست. حتی ایشان رابطه بسیار خوبی با اندیشکده‌ها، دانشگاه‌ها و تینگ‌تنگ‌ها داشت و ساعت‌ها با آنها جلسه می‌گذاشت. حتی همین یکی دو روز قبل با دکتر جمشید ممتاز جلسه‌ای گذاشت و از ایشان تقدیر کرد.»